

پنجه مخملی ها

همه چیز دربارهٔ گربه سانان جهان

فیونا سان کوئیست و ملوین سان کوئیست

ترجمهٔ

کاوه فیض‌اللهی

فرهنگ نشرنو

با همکاری نشر آسیم

تهران، ۱۴۰۲





شیر

Lion

Panthera leo

پس از تماشای فیلم‌های مستند بی‌شمار، تصویر شیر در ذهن بیشتر ما دشت‌های پرطعمهٔ سرنگتی^۱ با علف‌های کوتاه غلتان را تداعی می‌کند، اما این شرایط تنها در بخش کوچکی از گسترهٔ پراکندگی جغرافیایی شیر وجود دارد؛ بیشتر شیرها در درختزارها، جنگل‌های خشک، بوته‌زارها و حتی بیابان‌ها زندگی می‌کنند.

آنچه شیرها را در میان گریه‌ها بی‌همتا می‌کند این است که هستهٔ نظام اجتماعی آنها گله^۲ است. گله از ماده‌های خویشاوند - مادران، خواهران، دختران و خاله‌ها و تمام توله‌هایشان - تشکیل می‌شود که با هم در یک گروه زندگی می‌کنند تا از بهترین قلمرو دفاع کنند. شیرشناس مشهور، کریگ پکر^۳، گلهٔ شیرها را به «دارودسته‌های خیابانی که بر سر محدوده با هم رقابت می‌کنند» تشبیه کرده است. گله‌های موفق شیرهای ماده و فرزندانشان معمولاً نسل‌های پیاپی همان منطقه را اشغال می‌کنند. یک گله شیر در سرنگتی معمولاً از دو تا هجده ماده شیر بالغ، توله‌هایشان، و یک تا هفت شیر نر تشکیل می‌شود. ائتلاف‌های زادآور نرها با ائتلاف‌های دیگر بر سر ماده‌ها رقابت می‌کنند، و دورهٔ تصدی‌شان در یک گله ممکن است به کوتاهی چند ماه باشد یا چندین سال دوام بیاورد.

► شیر که پادشاه جانوران و نماد قدرت است، در تاریخ و افسانه جاودان شده است. تصاویر آن را روی ساختمان‌ها، پرچم‌ها، آثار هنری، و به‌عنوان جانور بخت‌آور تیم‌های ورزشی می‌توان دید.

1. Serengeti

2. Pride

3. Craig Packer (1950-)



ماده‌ها توله‌هایشان را دور از گله به دنیا می‌آورند، اما هنگامی که بچه‌ها به چهار تا هشت هفتگی رسیدند، دوباره به گله می‌پیوندند.

با آنکه گله واحد اصلی نظام اجتماعی شیرها است، اما این نظام انعطاف‌ناپذیر نیست. در یک خشکسالی طولانی در مرکز کالاهاری^۱، شمار طعمه چنان افت کرد که نظام اجتماعی معمول فروپاشید. نرها و ماده‌های گله قلمروشان را ترک کردند و سرگردان شدند، و از شکارگاه معمول خود فاصله بسیاری گرفتند. شیرهای ماده در شکار با ماده‌های غیرخویشاوند همکاری کردند و ترکیب این گروه‌های همکار بارها تغییر کرد.

اما شیرها در مناطق جنگلی افریقا و آسیا نیز زندگی می‌کنند و در این مناطق خیلی تک‌زی‌تر هستند. در این زیستگاه‌های جنگلی، شیرهای نر و ماده جز برای جفتگیری به ندرت معاشرتی با هم دارند. بررسی شیرها در هند نشان می‌دهد که نرها معمولاً به‌تنهایی سفر می‌کنند، خودشان به‌تنهایی شکار می‌کنند، و با گذاشتن علامت‌های بویایی و غریدن از قلمروشان محافظت می‌کنند. ماده‌ها نیز تنها یا جفتی همراه با بچه‌هایشان زندگی می‌کنند.

1. Kalahari

از نظر بدنی، شیر و ببر ساختاری کمابیش یکسان دارند. نیم‌تنه عضلانی جلو، برای گلاویز شدن با طعمه‌های بزرگ طراحی شده و به تدریج باریک می‌شود تا به پاهای عقب می‌رسد. کمتر پیش می‌آید که شیر طعمه‌ای را مدتی طولانی دنبال کند. حداکثر سرعت شیرها در هنگام دویدن می‌تواند به ۴۸ تا ۶۰ کیلومتر در ساعت برسد.

تغذیه شیر از تقریباً هر پستاندار خشکی‌زی که بتوان تصور کرد و حتی چند گونه آبی ثبت شده است؛ اما طعمه‌های اصلی‌اش عبارت‌اند از ویلدهبیست، غزال تامسون، گراز زگیلی، گورخر، و گاومیش. گزارش‌هایی در دست است که شیرها در مواردی جانوران بسیار بزرگی همچون زرافه، اسب آبی، و فیل‌های جوان را کشته‌اند. در پارک ملی چوبه^۱ در دلتای رودخانه اوکاوانگو^۲ در بوتسوانا، چند گله شیر آموخته‌اند که وقتی غذاهای دیگر کمیاب می‌شوند فیل‌ها را شکار کنند؛ در دوره‌هایی تا ۲۰ درصد از خوراک یکی از گله‌های چوبه از گوشت فیل تشکیل می‌شود. بیشترشان فیل‌های جوان هستند و بیشتر شکارها در شب انجام می‌شود. گروه‌هایی متشکل از سی شیر یا بیشتر تلاش می‌کنند با غریدن و حمله به فیل‌های نابالغ و نوجوان در تاریکی، دسته فیل‌ها را وحشت‌زده و سراسیمه کنند. هنگامی که فردی از بقیه جدا می‌شود و آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد، چندین شیر احاطه‌اش می‌کنند، پاهای عقبش را گاز می‌گیرند و به کف‌ش می‌چسبند. گله‌های شیر در چوبه، در صحنه‌هایی که باید شبیه حمله شیرهای غار به ماموت‌ها در هزاران سال پیش باشد، در به زیر کشیدن فیل‌های بالغ نیز با یکدیگر همکاری می‌کنند.

خیلی طول می‌کشد تا شیرها یاد بگیرند به شکارچی ماهری تبدیل شوند، و شیرهای جوان هنگامی که به دو سالگی می‌رسند می‌توانند در گرفتن طعمه به ماده‌شیرهای شکارگر دیگر کمک کنند. ماده‌های جوان معمولاً تا

1. Chobe National Park

2. Okavango



گرچه شیرهای ماده ۹۰ درصد از شکارهای گله را انجام می‌دهند، شیرهای نر معمولاً به طعمه‌های بزرگ‌تری همچون این گاومیش افریقایی ۴۵۰ کیلوگرمی حمله می‌کنند.

پایان عمرشان در گله‌ای که در آن به دنیا آمده‌اند باقی می‌مانند، در حالی که نرهای جوان معمولاً گله را ترک می‌کنند.

زمانی شیر در بیشتر افریقا، اروپا، خاورمیانه و بخش‌هایی از هند زندگی می‌کرد. تصور می‌شود که حتی به سریلانکا هم رسیده بود؛ شیر معمولاً در افسانه‌های عامیانه و هنر این کشور به تصویر کشیده می‌شود و به احتمال زیاد تا دوران تاریخی در سریلانکا زندگی می‌کرد. امروزه در طبیعت فقط ۳۵۰ شیر آسیایی در جنگل گیر^۱ در غرب هند باقی مانده‌اند^۲.

با گسترش جمعیت انسانی در سرتاسر افریقا، جمعیت‌های شیر که چندپاره و از هم جدا شده‌اند کاهش یافته و در بسیاری از مناطق اثری از شیر باقی نمانده است. در اندکی بیش از دو دهه، تعداد شیر در افریقا از بیش از ۲۰۰,۰۰۰ به حدود ۲۳,۰۰۰ کاهش یافته است. این کاهش چشمگیری

1. Gir Forest

۲. در سرشماری سال ۲۰۱۷ تعدادشان به ۶۵۰ رسید.

عمدتاً به درگیری مستقیم با انسان نسبت داده می‌شود که تلفات وارد شده به دام‌هایشان را با تفتنگ، طعمهٔ مسموم و تلهٔ سیمی تلافی می‌کنند. بیشتر شیرهای وحشی باقی‌مانده در شرق و جنوب افریقا زندگی می‌کنند، جایی که تعداد شیرهایش در سی سال گذشته کمابیش ثابت مانده است. بزرگ‌ترین جمعیت‌های شیر در شرق افریقا در تانزانیا و عمدتاً در اکوسیستم سرنگتی و پناهگاه حیات‌وحش سلوس^۱ حضور دارند.

طبیعت‌گردی در افریقا پیامدهای حفاظتی چشمگیری برای شیرها دارد زیرا طبیعت‌گردان اصرار دارند که در سفر به افریقا این گربه‌های بزرگ را حتماً ببینند. اگرچه معمولاً گفته می‌شود که طبیعت‌گردی راهی برای جبران خسارت‌های مردمی است که در کنار شیرها زندگی می‌کنند، اما این بازار محدود است و کمتر پیش می‌آید چنان درآمدزا باشد که گله‌داران را متقاعد کند حضور شیرها را در زمین‌هایشان تحمل کنند. مشکل این است که شیرها منحصراً در محدودهٔ پارک‌های ملی و پناهگاه‌های حیات‌وحش به سر نمی‌برند، بلکه معمولاً در خارج از مناطق حفاظت‌شده زندگی و شکار می‌کنند و در اینجاست که اغلب دام‌های اهلی را می‌کشند. وجود شیرهایی که از روی عادت دام می‌کشند، حتی در مزرعه‌هایی که از طبیعت‌گردی بهرهٔ اقتصادی می‌برند نیز تحمل نمی‌شود. در زمین‌های اشتراکی که در آنها هزاران نفر دام‌هایشان را می‌چرانند، شیرها به کلی از میان رفته‌اند.

همان‌طور که چندین پژوهشگر شیر اشاره کرده‌اند، بهترین راه حفاظت از شیرها این است که از گاو و بز دور نگه داشته شوند. بیشتر حمله‌های شیر در شب و هنگامی اتفاق می‌افتد که دام‌ها را در آغلی به نام بوما^۲ گرد می‌آورند. بومای سنتی از خاربته‌های درهم‌بافتهٔ متراکم با یک ورودی ساخته می‌شود که پس از ورود دام‌ها می‌توان آن را بست. اما همین ورودی نقطهٔ ضعف این آغل سنتی است؛ نزدیک شدن شیر معمولاً دام‌ها را به وحشت

1. Selous Game Reserve

2. Boma



هسته مرکزی یک گله شیر را ماده‌های خوشاوند و توله‌هایشان تشکیل می‌دهند.

می‌اندازد و آنها را می‌رماند که سبب می‌شود به این حفره زور بیاورند و از آن خارج و به آسانی کشته شوند. از قرار معلوم احاطه کردن بوما با فنس فلزی می‌تواند این مشکل را حل کند: در چند آزمایش که در آنها فنس به بوما افزوده شد، دفاع مؤثری در برابر شیرها ایجاد کرد. با استفاده از انسان یا سگ به‌عنوان نگهبان نیز می‌توان از تلفات دام کاست.

» » »

شیر غار اروپایی (*Panthera leo spelaea*): شیر بزرگ‌جثه

و بدون یالی که حدود ۱۴,۰۰۰ سال پیش از میان رفت

تا حدود ۱۴ هزار سال پیش، شیرهای غار در جنگل‌ها و علفزارهای بریتانیا و اروپا در جنوب، سبیری در شمال و تنگه برینگ در شرق پرسیه می‌زدند. تردیدی نیست که این شیر توتم بسیار مهمی برای نخستین اقوام اروپایی بود، زیرا بارها با جزئیاتی با دقت زیاد در دیوارنگاره‌های غار به تصویر کشیده شده است. سنگواره‌ها و نقاشی‌های غار نشان می‌دهند که شیر غار حدود ۲۵ درصد از شیر امروزی بزرگ‌تر بود و در گله‌هایی شبیه به گله شیر افریقایی امروزی زندگی می‌کرد. اما شیر غار نر یال نداشت. دیوارنگاره‌های غار گروه‌هایی از این شیرها را نشان



می‌دهند که مانند شیرهای امروزی سرنگتی با هم شکار می‌کنند، و بررسی استخوان‌های طعمه‌های شیر غار نشان داد که اسب [وحشی اوراسیایی]، گوزن شمالی، گوزن، گاومیش اروپایی و حتی خرس غار از جمله طعمه‌هایشان بودند.

هنوز هیچ‌کس به درستی نمی‌داند که عامل انقراض شیر غار در حدود ۱۴ هزار سال پیش چه بوده. به احتمال بسیار زیاد ترکیبی از تغییر اقلیم و تغییر پوشش گیاهی به انقراض آنها انجامید. شگفت‌انگیز آنکه حدود ۶ هزار سال پس از انقراض شیر غار، یک گونه شیر جدید و متمایز به لحاظ ژنتیکی، که یال هم داشت، وارد جنوب اروپا شد. این شیرهای یال‌دار جدید تا حدود ۲ هزار سال پیش در منطقه مدیترانه باقی ماندند و ارسطو و سایر نویسندگان یونان باستان آن را توصیف کرده‌اند.

ماجرای یال: چرا شیرهای نریال دارند؟

چرا در میان تمام گربه‌سانان فقط شیرهای نریال دارند؟ تا همین اواخر، چندین نظریهٔ مختلف وجود داشت، اما هیچ پاسخی کاملاً رضایت‌بخشی به



این پرسش داده نمی‌شد. سرانجام در سال ۲۰۰۲ پیتون وست^۱، دانشجوی تحصیلات تکمیلی دانشگاه مینه‌سوتا که در سرنگتی پژوهش می‌کرد، با مجموعه‌ای از آزمایش‌های بی‌نظیر، مسأله یال را یک‌بار برای همیشه حل کرد. وست به شکل متقاعدکننده‌ای نشان داد که یال پیامی است که وضعیت شیر نر را تبلیغ می‌کند. او مجموعه‌ای از آزمایش‌ها را انجام داد که در آنها از ماکت‌های شیر در اندازه واقعی با یال‌هایی به رنگ‌ها و طول‌های مختلف استفاده کرد و آنها را در معرض دید شیرهای وحشی در طبیعت گذاشت. معلوم شد که شیرهای ماده از یال برای انتخاب بهترین جفت استفاده می‌کنند. شیرهای نر نیز از یال برای ارزیابی وضعیت نرهای رقیب استفاده و از درگیر شدن با نرهای قوی‌تر پرهیز می‌کنند.

رشد یال شیرهای نر هنگامی آغاز می‌شود که از نظر جنسی بالغ می‌شوند و تا چهار یا پنج سالگی نیز همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد. یال یک شیر

1. Peyton West

بازتاب وضعیت جسمانی اوست؛ نرهای آسیب‌دیده یال کوتاه‌تر و تکه‌تکه دارند و گاه یالشان را به کلی از دست می‌دهند.

وست نتایج آزمایش‌هایش را با سی سال داده‌ای که درباره جمعیتی از شیرهای سرنگتی جمع شده بود تکمیل کرد. او دریافت نرهایی که یال تیره‌تری دارند معمولاً از هورمون تستوسترون بیشتری هم برخوردارند که یعنی مبارزان مهاجم‌تری هستند. نرهای مهاجم بهتر می‌توانند گروه‌های سرگردان نرهای مجردی را فراری دهند که در صورت تصاحب گله توله‌ها را می‌کشند. نرهایی که یال تیره دارند امید به زندگی طولانی‌تری نیز دارند، احتمال اینکه آنها در صورت زخمی شدن زنده بمانند بیشتر است و توله‌هایشان نیز نرخ بقای بالاتری دارند.

بنابراین، روشن می‌شود که تاج سر پادشاه جانوران واقعاً نمادی حیاتی و پیامی است که به تمام اطرافیانش ارسال می‌کند. شیرهایی که سرحال باشند یال تیره‌ پرپشت دارند و شیرهای ماده نرهایی را ترجیح می‌دهند که سرحال باشند زیرا نر قوی احتمال زنده ماندن توله‌هایشان را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، نرها نیز نمی‌خواهند با نرهای دیگری درگیر شوند که از آنها قوی‌ترند، در نتیجه برای برآورد قدرت حریف از یال استفاده می‌کنند.

شیر بیابان: زندگی بسیار متفاوت از شیرهای علفزار

در تلماسه‌های سوزان و سنگلاخ‌های داغ و تاول‌زای بیابان‌های کالاهاری و نامیب در افریقا چند صد شیر لاغر پابلند زندگی می‌کنند. این شیرهای بیابانی آموخته‌اند که گاه هفته‌ها بدون آب سر کنند و در محیطی زنده بمانند که در آن گرما شدید است و در نیمروز تابستان، دمای سطح ماسه ممکن است به ۷۰ درجه سانتی‌گراد برسد که برای نیمرو کردن تخم مرغ کفایت می‌کند.

زندگی شیرهای بیابانی با زندگی شیرها در سرنگتی تفاوت بسیار دارد. پیوندهای خانوادگی در میان شیرهای بیابانی قوی است، اما رابطه‌ها از راه دور است. برخلاف گروه‌های بزرگ سرنگتی، اعضای گله‌های بیابانی



همیشه با هم نیستند؛ مدام به گروه‌های کوچک‌تر دو یا سه تایی تجزیه می‌شوند. در خشکسالی‌ها که شرایط بسیار نامساعد می‌شود، افراد تنها گشت می‌زنند. شیرهای بیابانی همواره با تشنگی و دمای زیاد دست به گریبان هستند. روزها را زیر هر سایه‌ای که بیابند سپری می‌کنند و فقط پس از تاریکی به شکار می‌روند. در سرنگتی غذا فراوان است و شیرها به‌ندرت ناگزیر می‌شوند که برای رسیدن به یک وعده خوراک بیش از چند کیلومتر راه بروند، اما شیرهای بیابان ممکن است در یک شب ۴۸ تا ۶۴ کیلومتر حرکت کنند و آنچه به چنگ می‌آورند ناچیز است. مساحت جولانگاهی^۱ که در آن گشت می‌زنند ۱۰۰ برابر هم‌تایانشان در سرنگتی است.

فریتس الاف^۲ که با کمک بوشمن‌های^۳ رذن شیرهای کالاهاری را بررسی کرده، یک‌بار ماده شیری را دنبال کرد که ۴۰ کیلومتر حرکت کرده و هشت بار تلاش کرده بود برای خودش و توله‌اش غذا تهیه کند اما دست خالی مانده بود. در یک مورد دیگر، رد سه شیر ماده را زد که هفت شب راه رفتند و چیزی گیرشان نیامد. تنها چیزی که در آن هفته برای خوردن پیدا کردند یک تخم شترمرغ بود.

1. Home range
3. Bushman

2. Fritz Eloff

طعمه اصلی شیر بیابانی گمزباک است، آنتیلوپی^۱ به جثه اسب که حریفی هولناک است. بارها گزارش شده که گمزباک شیرها و پلنگ‌ها را با به سیخ کشیدن آنها روی شاخ‌های شمشیرمانند یک متری اش کشته است؛ یک گمزباک در حالی مشاهده شد که با لاشه پلنگی فرورفته در شاخ‌هایش این طرف و آن طرف می‌رفت. شیرهای بیابانی یاد گرفته‌اند با طعمه‌هایی سر کنند که شیرهای دیگر آنها را نمی‌خورند؛ علاوه بر گمزباک، طعمه‌های کوچکی همچون تشی [جنوب افریقا]، روباه گوش خفاشی، و خوک خاکی بخش ثابتی از رژیم غذایی آنها را تشکیل می‌دهند. شیرهای سرنگتی خیلی به‌ندرت تشی می‌کشند، اما شیرهای کالاهاری به این خوراک خاردار ۱۸ کیلوگرمی وابسته‌اند و تشی یک سوم از شکارهایشان را تشکیل می‌دهد. گاه پیش می‌آید که شیرهای بیابانی زیرک و کاردان هفته‌ها بدون آب سر کنند و با مایعات بدن طعمه‌هایشان دوام بیاورند. شبنم روی علف‌ها را می‌لیسند و حتی دیده شده که شیرهای ماده قطره‌های باران را از روی موهای همدیگر می‌لیسند.



شیر سفید: گونه‌ای جداگانه؟

شیر سفید با چشم‌های روشن و نافذ و خز شیری‌رنگش به سوگلی جدید دنیای جانوران تبدیل شده است. عده‌ای آن را یک نماد معنوی مقدس می‌دانند و عده‌ای دیگر آن را کالایی ارزشمند برای کشاندن بازدیدکنندگان به باغ‌وحش‌ها یا شکار به‌عنوان تروفه‌ای کمیاب به شمار می‌آورند.

۱. Antelope؛ اصطلاحی عامیانه برای توصیف بخشی از خانواده گاوسانان (Bovidae) که گاوها، قوچ‌ها و بزها را در بر نمی‌گیرد. بیشتر آنتیلوپ‌ها در افریقا و تعدادی در آسیا زندگی می‌کنند و معروف‌ترین‌هایشان عبارت‌اند از غزال‌ها، ایمپالا، اوریکس‌ها، ویلدهبیست‌ها، هارته‌بیست‌ها، دایکرها، دیک‌دیک‌ها، انواع باک‌ها، سایگا، و گریونک.

این گربه‌های سفید زیبا و پرطرفدار، در طبیعت، هرازگاهی در افریقای جنوبی و در میان شیرهای وحشی گندم‌گون پیدا می‌شوند، اما بسیار کمیاب‌اند و در ۱۰۰ سال گذشته بیشتر از تعداد انگشتان یک دست از آنها دیده نشده است. در سال ۱۹۷۵ دو توله شیر سفید در ذخیره‌گاه طبیعی تیمباواتی^۱ نزدیک پارک ملی کروگر^۲ مشاهده شدند. چیزی نگذشت که آنها به چهره‌هایی مشهور بدل شدند، و کمی بعد، هنگامی که توله سفید دیگری به دنیا آمد و ناپدید شد، مردم کم‌کم نگران زندگی آنها شدند. توله‌های سفید را گرفتند و به باغ‌وحشی در پرتوریا، پایتخت افریقای جنوبی، بردند. امروزه حدود ۵۰۰ شیر سفید که از این توله‌ها و یک جفت شیر سفید دیگر گرفته شده‌اند در باغ‌وحش‌ها، سیرک‌ها و مزرعه‌های پرورش و تکثیر در سراسر دنیا پراکنده‌اند.

شیر سفید گونه‌ای جدا از شیر گندم‌گون نیست، بلکه رنگی دیگر از شیر معمولی است. خز سفیدش نتیجه جهشی در ژن رنگ موهاست، و همچون ببر سفید، گونه‌ای در خطر انقراض نیست. شیر سفید نیز مانند جانوران سفید دیگر در طبیعت کمیاب است و همین آنها را آسیب‌پذیر می‌کند زیرا مردم می‌خواهند آنها را ببینند، در نتیجه باغ‌وحش‌ها، سیرک‌ها و مزرعه‌های تکثیر و پرورش با خویش‌آمیزی^۳ شیرهایی که خویشاوندی نزدیکی با هم دارند تعداد بیشتری شیر سفید تولید می‌کنند. شیوه تکثیر شیر سفید جفت کردن دو شیری است که دارای همان جهش در ژن رنگ مو هستند، زیرا هنگامی که هم نر و هم ماده حامل همان ژن سفید باشند، احتمالش زیاد است که یکی از توله‌هایشان سفید باشد. اما از آنجا که بیشتر شیرهایی که حامل جهش سفید هستند با هم خویشاوندند، زادآوری شیرهای سفید با همدیگر به معنای زادآوری مداوم خویشاوندان نزدیک و جفتگیری پدر با دختر، و برادر با خواهر است. بنابراین همچون ببرهای سفید، در این فرایند نیز توله‌شیرهایی با انواع مشکلات جسمی و ذهنی به دنیا می‌آیند.

1. Timbavati Nature Reserve

2. Kruger National Park

3. Inbreeding

چند فرد نیک‌خواه می‌خواهند تعدادی از شیرهای سفیدی را که در اسارت تکثیر شده‌اند به طبیعت افریقای جنوبی بازگردانند. بنیاد جهانی محافظت از شیر سفید^۱ دارای چندین شیر سفید است که در محوطه محصور بزرگی زندگی می‌کنند و تمایل دارد سرانجام آنها را رها کند تا بتوانند با شیرهای گندم‌گون وحشی ادغام شوند. گروهی دیگر از شیرهای سفید در محوطه محصور در پناهگاه حیات وحش سانبونا^۲ در استان کیپ غربی در افریقای جنوبی رها شده‌اند.

از آنجا که بسیاری از شیرهایی که برای تولید این شیرهای سفید به خدمت گرفته شده‌اند شیرهای باغ وحشی و سیرک با شجره‌نامه‌ای مخلوط هستند، زیست‌شناسان بر این باورند که رهاسازی آنها به معنای باز کردن در جعبه پاندورا است، و هنگامی که چنین کاری انجام شود، دیگر راه بازگشتی نخواهد بود. دانشمندان دیگر می‌گویند گزینه بهتر این خواهد بود که بر محافظت از شیرهای کروگر تمرکز کنیم، زیرا این به معنای محافظت از کل آن جمعیت وحشی است که به‌طور طبیعی ژن رنگ موی سفید را نیز در خود دارد.

غرش شیر: آوایی بلند و دوربرد

غرش شیر نر بی‌نهایت بلند است و شدت آن ۱۱۴ دسی‌بل اندازه‌گیری شده که به اندازه یک کنسرت راک پرسروصدا است. از این غرش بلند برای ارتباط در فاصله‌های زیاد به منظور دعوت به تماس یا ایجاد فاصله میان شیرها استفاده می‌شود و معمولاً صدای آن تا کیلومترها دورتر شنیده می‌شود. غرش شیر «یکی دو ناله، و سپس غرشی رعدآسا که به تدریج در یک رشته خرناس‌های خفه خاموش می‌شود» توصیف شده است. غرش شیرهای نر و ماده شبیه همدیگر است جز اینکه غرش نرها تا اندازه‌ای

1. Global White Lion Protection Trust (whitelions.org)

2. Sanbona Wildlife Reserve



بم‌تر است. گاهی غریدن یک شیر در گروه سایر اعضا را برمی‌انگیزد که در یک همسرایی طنین‌انداز به او بپیوندند.^۱

۱. شهردان رازی، نویسنده قرن پنجم، در کتاب نزهت‌نامه علایی غرش شیر را چنین توصیف کرده است: «از ناله و بانگ شیر همه جانوران بترسند و قریب سی بانگ بزند بر پی یکدیگر هر یک بازپسین از پیشین کمتر و ضعیف‌تر چنانکه هیچ بنیروتر و صعبت‌تر از اول نباشد، و گویند بانگ او آن نخستین است آن دیگر دم زدن است تا از آن نیرو که نموده است برآساید.»



وضعیت در فهرست سرخ IUCN: آسیب پذیر (VU)

وزن: ۹۰ تا ۲۷۲ کیلوگرم

طول سر و بدن: ۱۳۷ تا ۲۵۰ سانتی متر

طول دم: ۶۰ تا ۱۰۰ سانتی متر

تعداد فرزندان در هر زایمان: ۱ تا ۷، معمولاً ۳



جگوار

Jaguar

Panthera onca

جگوار و پلنگ خویشاوند نزدیک همدیگرند و تشخیص آنها از هم آسان نیست. اما جگوار از پلنگ سنگین‌تر است و جانور قدرتمندتری به نظر می‌رسد. آن ظرافت و نرمش پلنگ را ندارد؛ در عوض، گربه‌ای نیرومند با سینه‌ستبر و ظاهری تنومند، سری بیش از حد معمول بزرگ و پاهای کوتاه و کلفت است. جگوار، چه بزرگ و چه کوچک، تصور قدرت شکست‌ناپذیر را به ذهن القا می‌کند. حتی یک جگوار ۳۱ کیلوگرمی نیز چنان به نظر می‌رسد که گویا قادر است یک گاو نر را از پا درآورد. تکنیکش برای کشتن بازتاب قدرت فوق‌العاده ماهیچه‌ها و دندان‌های آن است؛ دندان‌های نیش جگوار از هر گربه بزرگ دیگری نیرومندتر است و گازهای محکم‌تری می‌گیرد.

یک میلیون سال پیش، جگوار اروپایی^۱ گول‌پیکر در جنگل‌های رودخانه‌ای مرکز آلمان و فرانسه فراوان بود. این جگوار اولیه که جثه‌اش تقریباً دو برابر جگوار امروزی بود، در کنار اشکال نیاکانی و شق و شیر کوهی زندگی، و در جنگل‌های گرم دشت‌های سیلابی اروپا گوزن و گراز شکار می‌کرد. جگوار نسبتاً تازه به امریکا رسیده است. هم سنگواره‌ها و هم بررسی‌های مولکولی نشان می‌دهند که این گربه حدود ۸۰۰,۰۰۰ سال پیش

► جگوار با سر پهنی که قدرت از آن می‌بارد و دندان‌های نیش بزرگ، برای حمله به طعمه‌های بسیار بزرگ کاملاً مجهز است. نیروی گازش از گربه‌های بزرگ دیگر بیشتر است و می‌تواند یک گاو نر بزرگ از نژاد برهمن را با گاز گرفتن جمجمه‌اش در حد فاصل گوش‌ها و شاخ‌ها از پا درآورد.

1. European Jaguar (*Panthera gombaszogensis*)